



روش اسلامی زبان درسی

پذیرفتہ اتحادیہ نویسندگان ج. د. ا. ۱۰۰.

روش اسلامی زبان دہری

پبلیشرز اتحادیہ نویسندہ گان ج. د. د. ا. ا.



بہ کوس پویا فاریا بے

۱۳۶۳

- * روش املای زبان دری
- * نشر کرده اتحادیه نویسندگان ج . د . ا .
- * تیراژ ۱۰۱۰۰ جلد
- * مطبعه تعلیم و تربیه
- * کابل - ۱۳۶۳

اظهاره‌ستان

ناهمگونی‌های املائی و اژه‌ها، پراگنده‌گی کنونی اشکال نوشتن کلمه‌ها، دشواریها، اختلافات و تفاوت‌های آشکار در زمینه‌های املا و نشانه‌گذاری، ویژه‌گیهای نظام ریشه دار و تحول یافته املائی و نگارشی زبان دری، دستاورد‌های تازه زبانشناسی و پژوهش‌های نوین در زمینه‌های زبان، ادبیات و شیوه‌های نگارش و جنبش نیرومند سواد و سوادآموزی در کشور، همه و همه یکبار دیگر ضرورت همگونسازی املائی زبان دری و نشانه‌گذاری را در برابر نسل‌های پرتوان امروز و فردای افغانستان انقلابی قرار داده است.

اتحادیه نویسندگان با شناخت این ضرورت فرهنگی جامعه و به مقصد همگونسازی املائی و اژه‌های زبان دری و نشانه‌گذاری از استادان پوهنتون کابل، دانشمندان اکادمی علوم و اعضای مسلکی اتحادیه نویسندگان کمیسیونی را متشکل ساخت. اعضای اصلی این کمیسیون عبارت بودند از:

۱- پوهاند داکتر عبدالاحمد جاوید

۲- پوهاند محمد رحیم الهام

۳- پوهنوال محمد عمر زاهدی

۴- واصف باختری

۵- اعظم رهنورد زریاب

۶- پوهنمل لطیف ناظمی

۷- پوهیالی پویا فاریابی



باید باسپاس فراوان یاد آوری کرد که علاوه از اعضای اصلی کمیسیون ، که به صورت منظم در جلسات اشتراک فعال داشته اند ، شاد روان پوهاند عبدالحی حبیبی ، پوهاند سرور همایون و محقق رضا مایل هروی نیز به حیث مشاوران در برخی از جلسات اشتراک میورزیدند .

اعضای اصلی و مشاور کمیسیون طی جلسات متناوب و طولانی ، که قریب سه سال را دربر گرفت ، در زمینه موضوعهای گوناگون املایی و نشانه گذاری ، بحثهای علمی ، گفتگوهای گسترده و ژرف و تبادل نظر کردند . فیصله ها و تصویبهای کمیسیون توسط محترم پوهاند محمد رحیم الهام یادداشت میگردد . بنا بر سفارش اعضای کمیسیون ، رساله « روش املای زبان دری » سر انجام توسط پوهیالی پویا فاریابی بررسی ، تنظیم ، تکمیل و نگارش یافت .

اتحادیه نویسندگان مراتب سپاسگزاری عمیق خود را به اعضای اصلی و مشاور کمیسیون و به محترم پویا فاریابی ، که در نگارش و اهتمام رساله « روش املای زبان دری » سهم فعال گرفته اند ، تقدیم میدارد .

از آنجا که این رساله بر پایه نتایج پژوهشها ، مطالعات و گفتگوهای علمی و ادبی گزیده ترین استادان ، دانشمندان و نویسندگان با اعتبار کشور نگارش یافته است ، بدون ترس از اشتباه ، تاملتهای درازی میتواند و باید برای شاگردان و معلمان ، نویسندگان و ژورنالستهای افغانستان و منطقه سرمشق قرار گیرد . به امید شگفته گی فرهنگ و ادبیات نوین همه ملیتهای ساکن افغانستان انقلابی .

دستگیر پنجشیری

عضو بیرونی سیاسی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا.

ورئیس اتحادیه نویسندگان ج.د.ا.

پیشگفتار

الفبای زبان فرمی

آ * اب پ ت ث ج چ ح خ د ذ ر ز ژ س ش ص ض ط ظ
ع غ ف ق ک گ ل م ن و ه (ه ه ر ه ر ~) ء ی .
هریک از نمودارهای نوشتاری بالا «حرف» یا گرافیم * * یعنی واحد نوشتاری،
نامیده میشود.

هر کدام از حرفهای ب پ ت ج چ ح خ د ذ ر ز ژ س ش

* در نظام الفبایی زبان دری این حرف {آ} نیامده است؛ مگر چون به مثابه
نمودار نگارشی صوت / a / در آغاز و گاهی در میانه واژه به همین شکل
نوشته میشود، در نظام الفبایی به حیث یک حرف پذیرفته شد و تجویز گردید
تا در فهرست الفبا به حیث نخستین حرف نوشته شود. مثالهای کاربرد آن بدین
گونه است:

در آغاز واژه: آب، آمد، آورد، آینده، آرمان، آشفته

در میانه واژه: جلالتمآب، مآثر، مآل

** grapheme

ص ض ط ظ ع غ ف ق ك گ ل م ن نمودار نگارش يك واك
 فونيم • ، یعنی واحد آوازی زبان در یست . با ید گفت که نوشتن درست
 حرفهای «ت»، «ط» ؛ «ذ»، «ز»، «ظ»، «ض» ؛ «ث»، «س»، «ص» ؛ «ع»،
 «ء» ؛ «ح»، «ه» در واژه‌ها دشواریهایی به بار می آورد؛ زیرا:

«ت» و «ط» ،

«ذ»، «ز»، «ظ» و «ض»،

«ث»، «س» و «ص» ،

«ع»، «ء» و «ا»، «ح» و «ه» را دری زبانان غالباً يك سان تلفظ میکنند؛ اما
 اگر در نوشتن، واژه‌های ویژه یکی به جای دیگری نوشته شوند، معنای آن
 واژه‌ها دگرگون میشود یا واژه‌ها بیهی میگردند. به گونه نمونه ، هرگاه واژه
 «وعظ» را به رنگ «وعذ، وعزو و وعض» یا واژه «حرص» را به سان «حرث و
 حرس» یا واژه «توت» را به صورت «طوط، طوت و توط» و یا واژه «حرف»
 را به شکل «هرف» (به همین گونه ممکن است «عمل» را «امل» یا «حمل» را «همل»
 و مانند آن) بنویسیم، مفاهیم واژه‌ها دگرگون یا واژه‌ها بیهی میشوند. برای درست
 نوشتن واژه‌ها راه و روش ویژه‌ی وجود ندارد. باید هر نویسنده‌ی هیئت درست
 چنین واژه‌ها را بشناسد و هر یک را درست بنویسد .

از شمار حرفهای الفبای دری «آ، ا، و، ی» نمودار و اکها (واحد های آوازی
 گفتاری) و اول اند . و اولها ، که آنها را در عربی «حروف علت» و در زبان دری
 «مصوتها» و «صدا دارها» * * گفته اند، و اکهایی اند که هنگام تولید آنها، توسط

* Phoneme

* * اصطلاح «صدا دار» و «مصوت» دقیق نیست؛ زیرا هر واك خودش «صدا»

و «صوت» است و نمیتوان «صدا» را به صدا دار و بیصدا بخش کرد .

دستگاه تولید آوازهای زبان، در جریان هوای تنفس (که آواز در واقع از اهتزاز و جنبش آن پدید می‌آید) هیچ گونه بندشی صورت نمی‌گیرد و بر اساس اختلاف موقعیت و حالت عضلهٔ زبان در خالیگاه دهن و پدید آمدن تفاوت‌هایی در وضع و شکل لبها از هم تمایز می‌یابند و نیز در ساختار زبان همواره اوجه‌های هجاها (کرسیهای فشار و تکیهٔ واژه‌ها) را تشکیل می‌دهند. همچنان حرف «ه» که در نوشتن تالیها (واریانته‌ها - الوگرافها) ی * گوناگون «ه ر ه ر ~» دارد گاهی نمودار و اول است، که ما «های غیر ملفوظ» مینامیم.

و اما کانسونانته‌ها، که در عربی حروف صحیح و در دری حروف صامت یا بیصدا نامیده میشوند، و اکهائی اند که به هنگام تولید آنها، توسط دستگاه تولید آوازهای زبان، در جریان هوای تنفس بندشی جزئی یا کلی ایجاد می‌گردد و چنین واکها در ساختار زبان هیچ گاهی اوج هجا را تشکیل نمیدهند، بل در حاشیهٔ اوج هجا قرار می‌گیرند.

در نظام نوشتاری زبان دری درست نوشتن کانسونا نته‌ها، جز آنچه پیشتر گفتیم و نمونه‌هایی آوردیم، دشواریهای ژرف و پیچیده کمتر است؛ زیرا هر حرف نمودار یک واك ویژه است؛ اما دشواریهای اساسی و ژرف بیشتر در درست‌نویسی حروف و اول است؛ زیرا هر حرف و اول نمودار چندین واك است و چون و اولهای واژه‌ها

* allograph شکل‌های گوناگون هر حرف را گویند که نظر به جای کاربرد، تفاوت دارند. چون {ع} (مفرد)، {ء} (آغازین)، {ء} (میانین) و {ع} (فرجامین)، همچنان تالیهای {ه} در «هیچ» و «بنده» و «دسته» و «سیه‌کار».

این تالیها به شیوه‌های خط از گونهٔ نسخ و نستعلیق و امثال آنها مربوط نیست؛ زیرا در هر شیوهٔ خط دری هر حرف خود ش تالیهایی از گونهٔ مثالهایی که آوردیم، دارد.

در ساختار های صرفی و نحوی باهم بیامیزند و یکی در پی دیگر آیند، نویسنده نوکار
مشوش میگردد و بسا که دچار اشتباههایی میشود و آهنگ همگونه گی املایش
برهم میخورد. از سوی دیگر، برای درستنویسی و اولها در واژه ها از دیرباز،
پژوهشگران به تنهایی یا به صورت گروهی تلاشهایی کرده اند که رهنمود های
هریک یا هر گروه پیروانی دارد. این عوامل و نیز سنت هزار ساله نظام املائی و
نگارشی زبان دری، که با جامعه ما دگرگونی پذیرفته روبرو به تکامل نهاده است و در
دستنویسهای فراوان از مراحل گوناگون تکامل رسم الخط دری آشکارا دیده
میشود، باهم در آمیخته سبب ناهمگونی املائی واژه ها گردیده است.

برای اثبات این واقعیت به آوردن گواه نیازی نیست؛ زیرا هر برگگی از کتابی
را که برگردانیم یا به هر اثری، خطی باشد یا چاپی، نظر اندازیم به خصوص در
مجله ها، روزنامه ها و جریده ها و حتی در نوشته یک نویسنده، ناهمگونیهای
بیشماری در نگارش عین واژه میابیم.

گفتیم که نوشتن و اولها و ترکیبهای آنها در واژه ها و ساختار های اشتقاقی،
صرفی و نحوی دشواریهایی دارد و ناهمگونی املائی بیشتر از همین رهگذر
برخاسته است.

بهتر است در این پیشگفتار آن دشواریها را به اختصار بر شماریم.

نخستین و دومین حرف الفبای ما دارای شکلهای زیر است:

آ، ا، آ

[آ] در آغاز و میانه واژه هانمودار / á / (به اصطلاح الف ممدوده) است:

آمد، آفتاب، آورد، آذین، آبرو، آتش، آسوده، آیین،

مال، جلا لتمام، که حرف ماقبل آن نیز متحرك است، مأخذ، مآثر،

منشآت.

[ا] در آغاز واژه :

گاهی نمودار / a / (زبر یافته) است :

امر، ای، انگور، انار، اشک، اگر، افروخت - مآن راه الف مفتوح

گوییم

گاهی نمودار / 1 / (زیر یا کسره) است :

امضا، اعلان، اقرار، امکان، ایجاد، امروز، اثبات - مآن راه الف مکسور

نا میم .

گاهی نمودار / u / (پیش یا ضمه) است :

استاد، اصول، اردو، اجاق، اسلوب، امور - مآن راه الف مضموم

خوانیم .

[ا] در میانه واژه نمودار / a / (زبر) است :

مسأله، ما وا، ما خود، مانوس .

در انجام واژه نمودار کانسونانت ساکن است :

مبدأ، منشا، ملجأ.

[و] گاهی نمودار کانسونانت / w / است :

به تنهایی به حیث { و } عطف و ربط، در حال وصل / u / خوانده میشود؛

چون: من و گرز و میدان و افراسیاب.

و امادر حال فصل / wa / خوانده میشود؛ مانند:

فرزانه از این که قلم، کتاب و کتابچه اش را نیاورده بود، اندوهگین مینمود.

در آغاز واژه:

گاهی نمودار / wa / است؛ مانند:

وی، ولد، وقت، ورزش .

گاهی نمودار / WI / است؛ چون :

وفق، ورد، ولایت.

گاهی نمودار /Wu/ است؛ مانند:

وصول، وحوش، ورود، وقوف.

درمیانه واژه:

گاهی نمودار /Wa/ است؛ مانند:

اول، بین الدول، احول، محول، روند، میوند، کشاورز، تگاور، روك میز:

گاهی نمودار /WI/ است؛ چون: ممول، متحور، مشاور، مجاور.

گاهی نمودار /Wu/ است؛ چون: تعاون، تلون، تحول، تمول، تناول.

گاهی نمودار گونه‌یی از /W/ (واومعدوله) است؛ مانند:

خواهر، خوانش، خواهش، خواب، خوار.

درانجام واژه:

گاهی نمودار /aw/ است؛ مانند:

نو، جلو، پیشرو، نرو، بدو.

گاهی نمودار /W/ است؛ چون:

سرو، مرو، تدر و *

همچنان [و] گاهی نمودار واول است.

درمیانه واژه:

گاهی نمودار /u/ (پیش یا ضمه) است؛ مانند:

خود، خورشید، خوشنود، خوش.

گاهی نمودار /ū/ (واومعروف) است؛ چون:

توت، خوب، نمود، بود، رنجور، دور.

* درواژه «عمرو» چون «عمروبن لیث» و «عمروبن عاص»، «و» خوانده نمیشود.

گاهی نمودار / o / (واو مجهول) است؛ مانند :

شور، گور، تور، زور، کور .

درانجام واژه :

گاهی نمودار / o / است؛ مانند :

گفتگو، بدخو، شستشو، آرزو، آبرو .

گاهی نمودار / u / است؛ مانند:

بازو، ناژو، آلو، لیمو.

[ی] گاهی نمودار کانسونانت / y / است.

درآغاز واژه :

گاهی نمودار / ya / است؛ مانند :

یک، یم، یل، ید، یزد (شهر یزد، فرخی یزدی)

گاهی نمودار / y / است؛ چون:

یار، یابنده، یوغ، یاد، یال.

درمیانه واژه:

گاهی نمودار / ya / است؛ مانند:

درایت، نهایت، سعایت، سیر، مویک.

گاهی نمودار / ay / است؛ مانند:

پیوند، پیکار، میگسار، بیعت، دیر (صومعه) *

درانجام واژه:

گاهی نمودار / ay / است؛ چون:

می، وی، پی، فی.

* گاهی در برخی واژه‌های عربی مشدد خوانده میشود؛ چون: خیر، نیر، حیز.

گاهی نمودار / y / است؛ مانند:

جوی، موی، بدخوی، روی، شوی (شوهر).

[ی] همچنان نمودار واول است:

درمیانه واژه:

گاهی نمودار واول / e / (یای مجهول) است؛ مانند:

دیر، میوه، ریو، دیو، نیو، سیر، شیر (حیوان)، تیغه.

گاهی نمودار واول / ĩ / (یای معروف) است؛ چون:

سیر، قیر، پیر، شیر، منیر، فیل، بیم.

درپایان واژه:

گاهی نمودار / e / (یای مجهول) است؛ مانند:

مردی (نکره)، همی، کتابی.

گاهی نمودار / ĩ / (یای معروف) است؛ مانند:

مردی (اسم معنی)، کتابی (نسبت)، گفتی، کشتی.

گاهی در عبارت های اضافی و توصیفی / y1 / خوانده میشود؛ مانند:

کشتی باربردار، صوفی وارسته.

باید یادآور شد که زبان گفتاری دری (لهجه کابل) هشت واك واول دارد و

چندین واول مرکب (دفتانگ) یایی وواوی از گونه واکهای :

/ úu oáa/ĭle/

و دفتانگهای :

/ aw ĩw ew áw ay áy úy oy /

که تمام اینها توسط پنج حرف (آ، ا، و، ی، ه) و ترکیبات آنها نوشته

میشوند. از سوی دیگر، الفبای زبان دری ویژه گبی دارد که الفباهای دیگر ندارند

و ن این است که هر حرف صامت غالباً چهارگونه خوانده میشود؛ چنان که حرف {ب} را هم ساکن، هم مفتوح، هم مکسور و هم مضموم میتوان خواند. از این نگاه و از نظر مراحل تکامل نظامهای الفبایی، الفبای ما، هم «فونیک» است، یعنی دلالت واك بسیط میکند و ساکن خوانده میشود و هم هجاییست و در عین هجایی بودن بر هجا های Ca و Cu و Cl (علامه C نمودار صامت است) دلالت مینماید. و مثلاً «بَ، بُ، بِ، بٌ» خوانده میشود و پیر و هیچ دستور و قاعده بی نیست. این دشواریها و پیچیده گیها سبب شده است که از یک سو، در خواندن بسیاری از واژه ها اشتباه روی دهد و از سوی دیگر، در نوشتن واژه ها سرگردانیها نابه سا مانیهایی به بار آید.

هر چند در گذشته از سوی پوهنتون کابل به ویژه پوهنخی ادبیات و وزارت معارف وقت تلاشهایی برای همگون سازی املا و نشانه گذاری زبان دری صورت گرفته رهنمودهایی به منظور تدریس به دانشجویان و شاگردان نگاشته شده است؛ چنان که به سال ۱۳۳۰ یک جزوه درسی به نام «بحث انتقادی بر املا و انشای فارسی» توسط استاد عبدالاحمد جاوید تدوین گردید. سپس به سال ۱۳۴۰ رساله یی در این زمینه به نام «یک روش جدید در املا ی فارسی» توسط گروهی از استادان پوهنخی ادبیات و دانشمندان وزارت تعلیم و تربیه فراهم آورده شد. این رساله به سال ۱۳۴۲ با اندک دگرگونی و تعدیل به نام «روش جدید در املا ی دری» به جای شماره هشتم مجله «بخوان و بدان» به نشر رسید و سپس به سال ۱۳۵۵ با اصلاحات و افزایشهای بیشتری از سوی پوهنخی ادبیات و علوم بشری به نشر سپرده شد. آخرین بار رساله یاد شده به سال ۱۳۵۹ توسط پوهنمل لطیف ناظمی به

حيث جزوه تدریسی مورد تجدید نظر قرار گرفت. چون در مورد املا و نشانه -
گذاری زبان دری هنوز هم ناهمگونیها و اختلا فاتی وجود دارد. بنابراین ،
اتحادیه نویسندگان ج. د. ا. بر آن شد تا تازه ترین نظریات را بررسی نموده رساله‌یی
به حیث رهنمود فراهم آورد و به همین مناسبت، کمیسیونی متشکل از استادان
پوهنتون کابل، اکادمی علوم ج. د. ا. و اعضای مسلکی اتحادیه را برگماشت که
رساله تازه‌یی در این زمینه فراهم آورند تا به صورت همگون در سراسر کشور
مورد کاربرد قرار گیرد.

پوهاند محمد رحیم الهام

کابل - عقرب ۱۳۶۳

بخش نخست

الف

۱- هرگاه واژه‌های مختوم به واوهای / o ، u / (واو مجهول، واو معروف)

مضاف، موصوف یا منسوب قرار بگیرند، پس از آنها یک { ی } می‌افزاییم:

واو مجهول

الف) به حیث موصوف:

سبوی شکسته	سبو
شبوی سفید	شبو
گلوی خشک	گلو
نموی سریع گلها	نمو
آبروی برباد رفته	آبرو
گفتگوی سودمند	گفتگو

(ب) به حیث مضاف :

سبوی من	سبو
شبوی چمن	شبو
گلوی آواز خوان	گلو
نموی نباتات	نمو
ما هروی من	ماهرو
آبروی کسان را نباید ریخت	آبرو

(ج) به حیث منسوب :

سبوی استالفی	سبو
شبوی کابلی	شبو
لیموی هندی	لیمو
ماهروی سمرقندی	ماهرو

واو معروف

(الف) به حیث موصوف :

بازوی توانا	بازو
موی سیاه	مو
روی سپید	رو
خوی بد	خو

(ب) به حیث مضاف :

بازوی رستم زابلی	بازو
موی پیر مرد	مو

روی دیوار های بلند

رو

خوی کودکان

خو

(ج) به حیث منسوب :

خواجهوی کرمانی

خواجهو

آهوی ختنی

آهو

(د) هرگاه حرف {و} در پایان واژه‌ها نمودار کانسونانت باشد، درحالت‌های

موصوف، مضاف و منسوب حرف دیگری در نوشته نمی‌آید و همین واو با کسره

تلفظ میشود؛ مانند :

دیوسفید

دیو

غریوجانکاه

غریو

جلو اسپ

جلو

گاو شیری

گاو

۲- با واژه‌هایی که مختوم به الف ممدوده / \bar{a} / باشند، در حالاتی که موصوف،

مضاف و منسوب قرار گیرند یک { ی } افزوده میشود؛ مانند :

دانای راز

دانا

صدای گیرا

صدا

قبای ابریشمین

قبا

شبهای زمستان

شبهها

هوای بهار

هوا

ژرفای شب

ژرفا

۳- واژه‌های دخیل از عربی که در اصل مختوم به همزه {ء} بعد از الف باشند،

همزه نوشته نمیشود. در حالات موصوف، مضاف و منسوب مانند قاعده ۲ تنها يك { ی } به آنها علاوه میگردد؛ مانند :

امضای استاد	امضا
ابنای زمانه	ابنا
اشیای قیمتی	اشیا
ارتقای علمی	ارتقا
انشای ساده	انشا
املای دری	املا
علمای کلام	علما
اجرای وظیفه	اجرا
ایفای امور	ایفا
انقضای مدت *	انقضا

۴- دروازه‌های مختوم به « های غیر ملفوظ » که در آنها حرف { ه } نمودار زبر (فتحه، و اول / a /) است در حالات موصوف، مضاف و منسوب نشانه { ه } بالای { ه } نوشته میشود؛ مانند :

خانه علم و فرهنگ	خانه
لانه زنبور	لانه
اتحادیه نویسندگان	اتحادیه
دره غوربند	دره

* این گونه واژه ها در ترکیبات عربی مانند اصل عربی نوشته میشوند؛ چون:

اسماء الحسنی و ماوراء النهر.

ستاره	ستاره دنباله دار
قباله	قباله زمین
نامه	نامه بی امضا
بنده	بنده نفس
کارنامه	کارنامه بزرگان

۵- هرگاه واژه‌های مختوم به « های غیر ملفوظ » با { گان } یا { ها } جمع

شوند، « های غیر ملفوظ » حذف نمیشود؛ مانند :

بنده	بنده گان	بنده ها
رونده	رونده گان	رونده ها
وابسته	وابسته گان	وابسته ها
ستاره	ستاره گان	ستاره ها
نویسنده	نویسنده گان	نویسنده ها
تشنه	تشنه گان	تشنه ها

۶- هرگاه با واژه‌های مختوم به « های غیر ملفوظ » هرگونه پسوند یا واژه های

دیگر بیاید « های غیر ملفوظ » حذف نمیشود؛ مانند :

تشنه	تشنه گی	تشنه وار	تشنه گونه
وارسته	وارسته گی	وارسته وار	وارسته گونه
همبسته	همبسته گی		
چگونه	چگونه گی		
نامه	نامه ام	نامه ات	نامه اش *

* عده‌یی از دانشمندان به این عقیده هستند و مجاز میدانند که در واژه‌های مختوم به « های غیر ملفوظ » مثل بنده گی، آشفته گی و نویسنده گان { ه } (های غیر ملفوظ) نوشته نشود؛ اما کمیسیون به خاطر رعایت وحدت املائی نوشتن { ه } را در همچو واژه‌ها مرجح میدانند.

۷- هرگاه واژه های مختوم به « یای معروف » / i / و « دفتا نگاهی یایی »

/ay ūy oy áy/ در حالات موصوف، مضاف و منسوب آیند، پس از آنها چیزی

در نوشته افزوده نمیشود؛ مانند:

چوکی	چوکی معلم
قیچی	قیچی خیاطی
چای	چای سبز
نی	نی شکسته
بوی	بوی خوش
خوی	خوی بد

۸- با واژه هایی که مختوم به حروف نمودار صامتها باشند، در حالات موصوف،

مضاف و منسوب یا هنگام پیوستن پسوند های ضمیری و جمع و پسوند های نسبتی

چیزی در نوشته علاوه نمیشود؛ مانند:

شعر: شعر نو، شعر سعدی، شعر من، شعرم، شعرش، شعر دری،

جلو: جلو کهنه، جلو اسپ، جلو او، جلوم، جلوش، جلو چاچی،

گل: گل سرخ، گل نارنج، گل تو، گلم، گلش، گل روسی،

قلم: قلم خودکار، قلم هوشنگ، قلم تو، قلمم، قلمش، قلم جاپانی.

۹- «های ملفوظ» نیز حرف نمودار صامت است. بنابراین، با واژه هایی که

مختوم به این حرف باشند، در حالات موصوف، مضاف و منسوب نیز در حالت

پیوستن پسوند جمع یا پسوندهای ضمیری، نسبتی و تنکیر، چیزی در نوشته افزوده

نمیشود؛ مانند:

کوه: کوه بلند، کوهی (نسبتی)، کوهها، کوهی (نکره)،

کلاه : کلاه سیاه، کلاه احمد، کلاه من، کلاه من، کلاهش، کلاه عسکری، کلاهها، کلاهی (نکره)،

نگاه : نگاه افسونگر، نگاه دلدار، نگاه کودک، نگاهم، نگاهش، نگاه - عاشقانه، نگاهها، نگاهی (نکره)،

راه : راه دور، راه پغمان، راهم، راهش، راهها، راهی (نکره)،
ماه : ماه نو، ماه نخب، ماه من، ماهم، ماهش، ماه عیسوی، ماهها، ماهی (نکره).

۱۰- واژه هایی که با آنها ضمائر «مان، تان، شان» بیایند، آن واژه ها از این ضمائر جدا نوشته میشوند؛ مانند:
قلم مان، قلم تان، قلم شان،
راه مان، راه تان، راه شان،
زنده گی مان، زنده گی تان، زنده گی شان.

۱۱- پسوند نکره، پسوند اسم معنی و پسوند صفت نسبتی با واژه های مختوم به الف ممدوده {ا}، واو معروف و مجهول {و} و های غیر ملفوظ {ه} به شکل «یی» نوشته میشود :

الف) واژه های مختوم به {ا}

دنیا : دنیایی میخوامم پر از صلح و صفا. (پسوند نکره)

دانا : دانایی، تواناییست. (پسوند اسم معنی)

اعتنا : به من اعتنایی نمود. (پسوند تنکیر)

آسیا : مسابقات فوتبال آسیایی به زودی آغاز میشود (پسوند صفت نسبتی)

ب) واژه های مختوم به واو معروف و مجهول {و}

لیمو: پروین پیراهن لیمویی پوشیده بود. (پسوند صفت نسبتی)

دو : دویی در بین دوستان ناپسندیده است. (پسوند اسم معنی)
 مو : اوسرمویی هم به برادرش علاقه نداشت. (پسوند وحدت)
 ج) واژه های مختوم به های غیر ملفوظ { ه }
 نامه : نامه یی به برادرم فرستادم. (پسوند نکره)
 سرمه : او پیراهن سرمه بی پوشیده بود. (پسوند صفت نسبتی)
 بنده : مبارزان زنجیرهای بنده گی را گسستند. (پسوند اسم معنی)
 د) پسوندهای اسم معنی و تنکیر و ضمیری در واژه های مختوم به { ی } چنین نوشته میشوند :

صوفی : صوفیی آن است که هرچه در کف داری بدهی ... (پسوند اسم معنی)
 (خواجه عبدالله انصار)
 یا : صوفیی میگشت در دور افق ... (پسوند نکره)
 (مولوی)

کشتی : کشتیی از دریا میگذشت. (پسوند نکره)
 یا : کشتیم ، کشتیت ، کشتیش ، کشتی مان (یم ، یت ... نشانه های ضمیری)
 زنده گی : زنده گیم ، زند گیت ، زنده گیش ، زنده گی تان (یم ، یت ...
 نشانه های ضمیری)

۱۲- { ای } تنها در یک مورد و در صیغه مفرد مخاطب فعل ماضی قریب یا صیغه مفرد مخاطب فعل حال اخباری نوشته میشود :

تودرخانه ای ، تورفته ای ، گفته ای ، برده ای ، خورده ای.

یا : درخانه ام	درخانه ایم
درخانه ای	درخانه اید
درخانه است	درخانه اند (درخانه استند)
ویا : رفته ام	رفته ایم
رفته ای	رفته اید
رفته است	رفته اند (رفته استند)

۱۳- واژه‌های مختوم به الف ممدوده { ا } و { ی } و واو معروف و مجهول { و } و های غیر ملفوظ { ه } هنگام پیوستن با پسوند های اضافی به گونه زیر نوشته میشوند:

پا : پایم ، پای مان ، پایت ، پای تان ، پایش ، پای شان ،
 جای : جایم ، جای مان ، جایت ، جای تان ، جایش ، جای شان ،
 آرزو: آرزویم ، آرزوی مان ، آرزویت ، آرزوی تان ، آرزویش ، آرزوی شان ،
 خانه : خانه ام ، خانه مان ، خانه ات ، خانه تان ، خانه اش ، خانه شان ،
 نامه : نامه ام ، نامه مان ، نامه ات ، نامه تان ، نامه اش ، نامه شان ،
 زنده‌گی : زنده‌گیم ، زنده‌گی مان ، زنده‌گیت ، زنده‌گی تان ، زنده‌گیش ،
 زنده‌گی شان .

۱۴- « است » ، « استند » و « اند » چنین نوشته میشوند:

الف) پس از واژه های مختوم به الف ممدوده { ا } ،

دانا :	دانا است	دانا استند	دانا یند
توانا :	توانا است	توانا استند	توانا یند
کجا :	کجا است	کجا استند	کجا یند

ب) پس از { و } معروف و مجهول ،

(۱) پس از واژه مختوم به واو مجهول :

نیکو :	نیکوست	نیکوستند	نیکو یند
بدخو :	بدخوست	بدخوستند	بدخو یند
روبه‌رو :	روبه‌روست	روبه‌روستند	روبه‌رو یند

(۲) پس از واژه های مختوم به واو های صامت /aw/ و /áw/ و /ow/ ،

نو : نو است نو استند (هستند) نو اند

جلو: جلو است جلو استند (هستند) جلو اند

گاو: گاو است

هزارناو: هزارناو است

ریو: ریو است

دیو: دیو است

(۳) پس از واژه های مختوم به {ی} معروف و برخی از دفتانگهای یایی،

زنده گی زنده گیت

مبتدی مبتدیست

علمی علمیست

طبیعی طبیعیست

شخصی شخصیست

زیبایی زیباییست

دانایی داناییست *

(۴) پس از واژه های مختوم به های غیر ملفوظ و تمام صامتها،

خانه خانه است

لانه لانه است

گواه گواه است

زنده زنده است

چنین چنین است

* نوشتن این واژه ها با « الف » به شکل زنده گی است، طبیعی است، و دانایی

است نیز جواز دارد.

دیوار دیوار است.
 نزدیک نزدیک است *

(۵) فعل «نیست» و واژه‌های پرسشی «کیست» و «چیست» به همین گونه نوشته میشوند.
 ۱۵- پیشوند ها :

پیشوند ها در زبان دری به دو بخش عمده جدا میشوند: پیشوند های صرفی
 (تصرفی) و پیشوند های واژه ساز (اشتقاقی).

پیشوند های صرفی بدین گونه مشخص میشوند :

(۱) پیشوند { می- } یا { همی- }

هر گاه این پیشوند در جلو فعلهای آغاز شده به صامت قرار گیرد ، با ماده
 یا اصل فعل پیوسته نوشته میشود؛ مانند :

میگفت ، میروم ، میدانستم ، میخواستم ، میرفت ، میدید .

همیگفت ، همیروم ، همیدانستم ، همیخواستم ، همیرفت ، همیدید .

هر گاه با فعلهای آغاز شده به مصوتهای «الف مفتوح ، مکسور و مضموم»

بیاید، باز هم با فعل پیوسته نوشته میشود؛ مانند :



انداخت میانداخت

افروخت میافروخت

انگیزد میانگیزد

ایستاد میایستاد

* بهتر است واژه های مختوم به صامتها را به صورت مشکلت ، آسانست
 کمست ، خوبست ، آنست ، همینست ، نزدیکست و مانند اینها ننویسیم و الف فعل
 « است » پس از واژه های مختوم به های غیر ملفوظ و صامتها حذف نشود .

افتاد میافتاد

افتد میافتد

هر گاه با واژه هایی که با {و} و {ی} آغاز مییابند، بیاید بدین گونه نوشته میشود :

میورزد میوزید مییافت مییازید .

و اما هر گاه با فعلهای آغاز شده به مصوت {آ} بیاید، جدا نوشته میشود؛ مانند:

آراست می آراست

آمد می آمد

آرمید می آرمید

آزمایند می آزمایند

آسایند می آسایند

(۲) پیشوند {ب-} که همواره با فعل می آید به این گونه نوشته میشود:

هر گاه با فعلهای آغاز شده به حرف نمودار صامت بیاید، با فعل پیوسته

نوشته میشود؛ مانند:

بگفت، برفت، بزد، ببیند، ببین، برو، بخران، بگمار :

هر گاه با فعلهای آغاز شده به حروف نمودار مصوت (الف مفتوح یا مضموم)

بیاید، {ا} حذف میگردد و پیش از فعل {ی} افزوده میشود؛ مانند :

افگند بیفگند

افروز بیفروز

افتاد بیفتاد

انداخت بینداخت

هر گاه با فعلهایی که با «الف مکسور» آغاز شده باشند، بیاید الف آن نوشته میشود؛ مانند :

ایستاد	بایستاد	ایستد	بایستد
--------	---------	-------	--------

هر گاه با فعلهای آغاز شده به حروف نمودار مصوت‌های { ی } و { و } بیاید مانند صامت‌ها پیوسته با فعل نوشته میشود؛ چون :

یافت	بیافت
------	-------

ورزید	بورزید
-------	--------

وزید	بوزید
------	-------

و اما اگر با فعلهای آغاز شده به حروف نمودار { آ } بیاید، میان پیشوند و اصل فعل { ی } افزوده میشود و در نگارش علامه «مد» از آغاز فعل حذف میگردد؛ مانند :

آید	بیاید
-----	-------

آورد	بیاورد
------	--------

آمد	بیامد
-----	-------

آراست	بیاراست
-------	---------

آشفت	بیاشفت
------	--------

(۳) پیشوند نفی { ن- } به این گونه نوشته میشود :

هر گاه با فعلهای آغاز شده با حروف نمودار صامت بیاید، پیوسته با فعل نوشته میشود؛ مانند :

نخورد، نرفت، نکرد، نوزید، نگفت، نیافت .

هر گاه با فعلهای آغاز شده به حروف نمودار مصوت (الف مفتوح یا مضموم) بیاید، میان این پیشوند و اصل، { ی } افزوده میشود و الف آغازین فعل حذف میگردد؛ مانند :

انداخت نینداخت

افروخت نیفروخت

افروز نیفروز

در واژه های «ایستاد» و «ایستد» به این شکل نوشته میشود :

ایستاد نایستاد

ایستد نایستد

و اما هر گاه با فعلهای آغاز شده با حروف نمودار { آ } بیاید میان این پیشوند و اصل فعل، { ی } افزوده میشود و علامه «مد» { م } حذف میگردد؛ مانند:

آمد نیامد

آراست نیاراست

آورد نیآورد

(۴) پیشوند نهی { م - } نیز خصوصیت پیشوند نهی را دارد و با فعلهای آغاز

شده به حروف نمودار صامت پیوسته نوشته میشود؛ مانند :

مکن، مرو، مخور، مزن، منشین، مگو، مخوان.

و اما هر گاه با فعلهای آغاز شده به حروف نمودار مصوت بیاید، مانند پیشوند

نهی نوشته میشود؛ چون:

افروز : نیفروخت میفروز

افگن : نیفگند میفگنید

آ : نیامد میآید

ایست : نایستاد مایستید

(۵) پیشوندهای واژه ساز :

پیشوند های واژه ساز تا حد امکان باید با اصل واژه پیوسته نوشته شوند؛ مانند :

ام : امروز، امشب، امسال ،

بی : بیکار، بیدل، بینوا، بیرنگ، بیدرنگ.

هر گاه پیشوند {بی -} با واژه هایی بیاید که با حروف نمودار مصوت {آ، ا} آغاز شوند، جدا نوشته میشود؛ مانند :

بی آب، بی آبرو، بی آزار، بی ادب، بی اراده، بی انصاف.
همچنان هر گاه به حیث پیشینه به کار رود از اصل واژه جدا نوشته میشود؛ مانند:
بی چون و چرا، بی گفت و شنود، بی رتق و فتق، بی خورد و خواب.
پسوند ها نیز مانند پیشوند ها تا حد امکان با واژه ها پیوسته نوشته میشوند؛ مانند:
نیلگون، نیلفام، ستمگر، باغبان، بیننده، بهتر، بهترین، زالان، سحر گاهان،
چوبین، سمین، پریوش، ماهوش، مهوش، دانشمند، هدفمند، گلزار، نیستان.
۱۷- پسینه {را} از واژه ها جدا نوشته میشود؛ مانند :

کتاب را، قلم را، آدم را، وی را، این را، آن را، فرهنگ را، دانش را
دیوان را، مشکل را .

۱۸- پسوند های جمع {-ها} و {-ان} با واژه ها پیوسته نوشته میشوند؛

چون :

کتابها، قلمها، دستها، دلها، باغها، جنگلها، کوهها، چوکیها، الماریها،
آدمها، عربها، افغانها، ایرانیها، هندیها، آسیاییها، افریقاییها، امریکاییها، جایها،
پایها، مویها، جویها، رویها .

هر گاه واژه هایی که به « های غیر ملفوظ » پایان یافته باشند در صورت
جمع بستن با « ها »، { ه ه ه ه } پایان واژه حذف نمیشود؛ مانند :

نامه - نامه ها، خانه - خانه ها، جامه - جامه ها، افسانه - افسانه ها، کوه -

کوهها *

* یاد داشت :

این واژه ها و ترکیبهای ویژه دری که برخی از نویسندگان آنها را با *

۱۹- واژه های مرکب تا حد امکان یکجا نوشته میشوند؛ مانند:

• نشانه های { ات وجات } جمع میبندند - هرچند مربوط به املا نیست -
بانشانه های «- ها» و «- ان» به این گونه نوشته میشوند :

باغ - باغها، ده - دهها، (دهکده ها، روستاها)، سبزی - سبزیها، دسته -
دسته ها، کوهستان - کوهستانها، پرزه - پرزه ها، میوه - میوه ها.
نوشته - نوشته ها، کارخانه - کارخانه ها، خواهش - خواهشها، فرمایش -
فرمایشها، نمایش - نمایشها، سفارش - سفارشها، گزارش - گزارشها،
پیشنهاد - پیشنهاد ها.

تمام واژه های دخیل به هنگام جمع بستن با علامه های ویژه زبان دری
«- ها» و «- ان» جمع بسته میشوند .

واژه های دخیل زبان عربی، که در آن زبان با علامه های جمع سالم عربی
«- ون، - ین، - ات» جمع بسته میشوند، هنگام جمع بستن در زبان دری تا حد امکان
باید با علامه های جمع ویژه زبان دری (-ها، - ان) جمع بسته شوند؛ مانند:
معلمان، محصلان، محققان، مفتشان، مهندسان، عالمان، فاضلان،
مؤرخان، کاتبان، ناظران، منشیان، مأموران، آمران، مدیران، وزیران، کلمه ها
سیاره ها، طیاره ها، عادتها، واقعه ها و امثال اینها .

بنا بر این، جمع بستن این واژه ها به گونه باغات، دهات، میوه جات،
سبزیجات، پرزه جات، کارخانه جات، خواهشات، فرمایشات، گزارشات
سفارشات، پیشنهادات - هرچند به کار هم رفته است - نادرست است و کاربرد
علامه های { جات } یا { ات } با واژه های دری به هیچ صورت جایز نیست .

پیشرفت، پیشنهاد، پیشرو، پیشاهنگ، هماهنگ، رویداد، روانکاو،
روانشناس، زبانشناس، زبانشناسی، دستیاب، پایداک، صاحب‌دل، صاحب‌نظر،
گلفروش، میفروش، دلارام، دلاویز، نیک‌نام، نیک‌بخت، خوشحال، جهانبینی،
جهانشناختی، دستنویس، جهانگرد، آسمان‌خراش، آموزشگاه، پرورشگاه،
باشگاه، دانشگاه، گفتگو، جستجو، دوستدار، هیچکاره و امثال اینها.

و اما این واژه‌ها: پیرهن چاک، افسون‌کنان، شست و شو، شکست‌ناپذیر
عدالت‌شعار، شماتت‌ورزی، که یکجا نوشتن آنها سبب دشواری و ثقلت در
خواندن میشود، باید جدا نوشته شوند.

۲۰- تنوین (دو زبر، دو زیر، دو پیش در حرف آخر واژه‌ها):

تنوین تنها بر واژه‌های عربی نوشته میشود و در زبان دری تنها تنوین «دو زبر»
بر واژه‌های عربی رایج میباشد * که قواعد نوشتن آن چنین است:

الف) بنا بر قاعده کلی و رایج در پایان واژه مورد نظر «افی» میافزاییم و
بالای آن «دو زبر» مینویسیم؛ مانند:

اصلاً، اجمالاً، احتمالاً، اساساً، حتماً، قسماً، عیناً، راساً، مثلاً، ابداً،
فوراً، مختصراً،

حقیقتاً، نسبتاً، موقتاً، ذاتاً، عجالتاً، ندرتاً.

ب) تنوین «دو زبر» در واژه‌های عربی مختوم به همزه {ء} بر سر همزه

نوشته میشود؛ مانند:

استثناء^ء استثناء^ء

جزء^ء جزء^ء

* یک نکته دستوری: کار برد تنوین با واژه‌های غیر عربی در زبان دری

درست نیست؛ چون: تیلغوناً، تلگراماً، زباناً، ناچاراً.

۲۱- واژه های همزه دار :

همزه {ء} ویژه واژه های عربیست .

همزه در واژه های عربی هم در آغاز، هم در میانه و هم در انجام می آید و شیوه نوشتن آن دستور های ویژه یی دارد، ؛ اما بحث ما در باره طرز نوشتن «همزه» در واژه های دخیل عربی در زبان دریست که به گونه زیر مشخص میشود:

(۱) در آغاز واژه های عربی به شکل { ا } نوشته میشود؛ مانند :

اتفاق، اتحاد، امت، اصحاب، ایجاد، امتنان ؛

(۲) هر گاه همزه در پایان واژه ها بر کرسی { ا } یا { و } نشسته باشد ،

همزه حذف نمیشود؛ مانند :

مبدأ زبان دری

لؤلؤ لؤلؤ و نایاب

رؤیت رؤیت هلال

(۳) در آن دسته از واژه های عربی که بر وزن «فاعل»، «فواعل» و «فعائل»

باشند، در زبان دری به جای همزه {ی} نوشته میشود؛ مانند :

اصل عربی (بر وزن فاعل) املائی دری

قائل قائل

سائل سائل

مائل مائل

جائز جائز

فائل فائل

اصل عربی (بر وزن فواعل) املائی دری

فوائد فواید

نواب	نواب
جوانز	جوانز
عواید	عواید
زواید	زواید
اصل عربی (بر وزن فعائل)	املائی دری
شمائل	شمایل
قبائل	قبایل
دلائل	دلایل
حمائل	حمایل
اوائل	اوایل
مسائل	مسایل
فضائل	فضایل

(۴) هرگاه حرکت حرف ما قبل همزه فتنحه باشد؛ همزه بر کرسی { ا } نوشته میشود؛ مانند :

تأیر ، تألیف ، تأویل ، تأریخ ، رأس ، یأس ، مأمور .

(۵) هرگاه حرکت ما قبل همزه ضمه باشد ، همزه بر کرسی { و } نوشته میشود؛ مانند : مؤمن ، لؤاؤ ، مؤتمن ، مؤذن .

(۶) همزه ما قبل متحرك بر کرسی { و } اول نوشته میشود؛ مانند : رؤوف ،

داؤود ، رؤوس ، شؤون * .

(۷) همزه مکسور ما قبل متحرك بر کرسی { ی } (یا بی نقطه) نوشته میشود؛

مانند رئیس ، لئیم .

* در متنهای کهن عربی این واژهها به شکل رؤوف ، مسؤل وداؤود هم آمده است .

(۸) همزه مفتوح ما قبل ساکن بر کرسی { ا } نوشته میشود؛ مانند: مسأله، مسألت.

(۹) همزه مفتوح ما قبل { ی } ساکن بر کرسی { ی } (یا ی بی نقطه) نوشته میشود؛ مانند: هیئت، خطیئت، بریئت .

(۱۰) همزه مکسور ما قبل ساکن بر کرسی { ی } (یا ی بی نقطه) نوشته میشود؛ مانند: اسئله (جمع سوال)، افئده (جمع فؤاد به معنای دل)، تخطئه .

(۱۱) همزه ما قبل مضموم و ما بعد الف بر کرسی { و } نوشته میشود؛ مانند: سؤال، فؤاد .

(۱۲) همزه مضموم ما قبل ساکن و ما بعد { و } بر کرسی { و } نوشته میشود؛ مانند: مسؤول، مرؤوس، مشؤوم .

(۱۳) واژه های مأخذ (جمع مأخذ)، لآلی (جمع لؤلؤ)، مآل، مآب، مآثر، متحدالمآل، اجراءات، اقتضآات، قرآات (جمع قرائت)، منشآت؛ جرآت، قرائت، تبرئه، ارأه، برأات، توطئه، تخطئه، نشآت و دنأات به همین شکل نوشته میشوند. (۱۵) واژه هایی که در اصل عربی همزه ندارند، بدون همزه نوشته میشوند؛ مانند: موفق، موقت، موظف، موجز، مصون .

(۱۶) واژه هایی که در اصل عربی همزه دارند در شکل فاعلی و مفعولی با همزه نوشته میشوند؛ مانند: مؤرخ (از تأریخ)، مؤدب (از تأدیب)، مؤکد (از تأکید)، مؤنث (از تأنیث)، مؤخر (از تأخیر)، مؤثر (از تأثیر) .

(۱۷) همزه یی که در پایان واژه های عربی بدون کرسی نوشته میشود، حذف نمیگردد؛ مانند: سوء و جزء (جز و) و شیء (در زبان دری این واژه به شکل «شی»

و جمع آن «اشیا» نوشته میشود.)

۲۲- الف مقصوره .:

در عربی «الف مقصوره» یا بیست ({ی}) در پایان واژه ها که {آ} خوانده میشود. چنین واژه ها در املاى درى مانند اصل عربى نوشته میشوند؛ مانند: عیسی، موسی، مصطفی، معنی، مرتضی، یحیی، فتی، حتی، مجتبی، صغری، کبری، اعلی، ادنی، الی، اولی، علی.

هر گاه چنین واژه ها مضاف، موصوف، منسوب و در عبارت‌ها و ساختارهای دستوری دیگر واقع شوند، {ی} به صورت {ا} نوشته میشود و قاعدهٔ واژه های مختوم به {ا} بر آنها تطبیق میگردد؛ مانند:

عیسای مریم	عیسی
موسای کلیم الله	موسى
معنای واژه ها، واژه های چندین معنایی	معنى
لیلای قشنگ من، کرشمهٔ لیلایی	لیلى
شورای وزیران	شورى
یحیای بر مکی	یحیى

هر گاه این گونه واژه ها منسوب قرار گیرند، در زبان عربی به صورت زیر نوشته میشوند:

موسوی	موسى
عیسوی	عیسى
معنوی	معنى
گنجوی	گنجه
قبیلوی	قبيله

و اما در املاى درى اشکال زیرین را به خود میگیرند:

موسایی	موسی
عیسایی	عیسی
معنایی	معنی
گنجه‌یی	گنجه
قبیله‌یی	قبیله

واژه‌های زیر در حالت‌های فاعلی و مفعولی به دو شکل نوشته می‌شوند :

شکل فاعلی	شکل مفعولی
مدعی	مدعا •
محتوی	محتوا
مستوفی	مستوفا
مقتضی	مقتضا
منتهی	منتها

نوشتن واژه‌های عربی بلوی، تقوی، قوی، مبتلی، مصفی و مستثنی در زبان دری با « الف » مرجح دانسته می‌شود؛ مانند :

بلوا، تقوا، قوا، مبتلا، مصفا، مستثنا .

۲۳- هر گاه واژه « ابن » در آغاز و پیش از اسم خاص آید، چنین نوشته می‌شود:

ابن سینا، ابن بطوطه، ابن رشد، ابن احمد، ابن زید .

و اما هر گاه « ابن » در بین دو اسم خاص آید، { ا } آن در نوشته حذف می‌شود؛

مانند: محمد بن احمد دقیتی بلخی، عیسی بن مریم، یحیی بن خالد برمکی،

* و « مدعی » به صورت « مدعا » تلفظ شده؛ اما به عنوان اصطلاح فقهی

(کسی که بروی دعوا صورت می‌گیرد) به شکل « مدعی علیه » نوشته می‌شود .

• حمزه بن حسن اصفهانی، حمزه بن علی

۲۴- هرگاه واژه های « بعض، برخ، بخش» در عبارتهای اضافی، توصیفی

و نسبتی آیند، چنین نوشته میشوند:

بعضی مردم، برخ اول، بخش دیگر؛ اما اگر پس از آنها پیشینه «از» آید،

چنین نوشته میشوند: بعضی از مردم، برخی از این کتاب، بخشی از گفته های افلاطون.

و اگر نکره واقع شوند (به سان دسته‌یی، گروهی، عده‌یی) به شکل زیر

نوشته میشوند:

بعضی این طرف رفتند و برخی آن طرف.

برخی به موضوع دلچسپی نشان دادند و برخی بیتوجه ماندند.

بعضیها باور دارند و برخیها آن را نمیپذیرند.

۲۵- واژه های «این» و «آن» جدا نوشته میشوند؛ مانند: این مکتب، این خانه،

این مرد، آن زن، آن شخص، آن دکان، آن دفتر، آن طرف.

این زمان، آن زمان، این وقت، آن وقت، این چنین، آن چنان، این کس،

آن کس، این طور، آن طور، این گونه، این سو، آن سو، این جا، آن جا، این که،

آن گاه.

• هر چند در این واژه ها { ا } محذوف است، بعد از { ی } به صورت فتحه

و بعد از دیگر حروف به صورت کسره تلفظ میشود؛ مانند:

دارای جهان نصرت دین خسرو کامل یحیی بن مظفر ملک عالم عادل

(حافظ)

شنیدم که اعشی به راه مکه شد سوی هودة بن علی یمانی

(منوچهری)

همچنان واژه های « همین » و « همان » نیز جدا نوشته میشوند؛ مانند:
همین که ، همان گونه ، همین طور ، همان طور ، همین سان ، همان سان.
۲۶- { که } از واژه ها جدا نوشته میشود؛ مانند: مردی که آمد، چنان که
گفته آمد، وقتی که گفتی، زمانی که مطمئن شدی.
و اما واژه های « چگونه »، « چرا »، « چطور »، « چنانچه »، « آنچه » و « آنکه »
به همین شکل نوشته میشوند.

۲۷- واژه « هیچ » جدا نوشته میشود؛ مانند:
هیچ چیز ، هیچ کس ، هیچ گونه ، هیچ صورت ، هیچ جا ، هیچ وقت ،
هیچ گاه ، هیچ یک ، هیچ کدام .
۲۸- { کی } و { چی } پرسشی به شکل زیر نوشته میشوند:
کی می آید؟ کی گفت؟ توبه کی گفتی؟ چی گفتی؟ چی میخواهی؟ چی چیزی
میتواند ترا مطمئن گرداند؟

۲۹- واژه های عربی به وزن « تفعیل » چنین نوشته میشوند:

تعیین ، تمیز ، تغییر (بادو { ی })

۳۰- ترکیبات عربی مستعمل در دری جدا نوشته میشوند؛ مانند:

ان شاء الله ، عن قریب ، مع هذا ، مع ذلك ، من جمله ، علی هذا ، من بعد .

۳۱- پیشینه ندای { ای } از واژه ها جدا نوشته میشود: مانند :

ای خدا ، ای دوست ، ای مرد ، ای یار ، ای که از راه دور آمده ای .

۳۲- این واژه ها بادو { و } نوشته میشوند:

کاووس ، طاووس ، سیاووش ، کیکاووس .

۳۳- برخی از نامهای خاص اروپایی ، که نوشتن آنها با { ط } متداول شده

است ، باید به همان گونه نوشته شوند؛ مانند:

سقراط ، افلاطون ، ارسطو .

و اما برخی از واژه های دیگر دخیل با { ت } نوشته میشوند ؛ مانند :

اتاق ، اتریش ، ایتالیا ، بریتانیا ، امپراتور ، پترول .

۳۴- واژه ها و ترکیبات زیر بدین شکل نوشته میشوند :

نادرست	درست
بالخصوص	بالخصوص
بالعموم	بالعموم
بالاخص ، بلاخص	بالاخص
با الکل	بالکل
بالعکس	بالعکس
بالاخره ، بالاخر	بالاخر
خشنود	خوشنود
خرشید	خورشید
خرسند	خورسند
خرد *	خورد (کوچک)
کهمک ، کومک	کمک

و اما واژه های زیر به دو شکل به معنیهای مختلف نوشته میشوند :

ترک کننده	ادا کننده
سپا سگزار	سپاسگزار
شکر گذار	شکر گزار

* واژه های « خورسند » و « خورد » در متنها به شکل « خرسند » و « خرد »
لهز آمده است .

نماز گزار	نماز گذار
خدمت گزار	خدمت گذار

۳۵- واژه‌ها و اصطلاحهای دخیل اروپایی به این شکل نوشته میشوند :

فیودالیزم، سوسیالیزم، کمونیزم، انترناسیونالیزم، انارشیزم، رویزیونیزم، سکتاریزم، شووینیزم، صهیونیزم، لیننیزم، مارکسیزم، میلتاریزم، ناسیونالیزم، کاپیتالیزم، نازیزم، لیبرالیزم، ریالیزم، رمانتیزم، کوبیزم، دگماتیزم، پراگماتیزم، اگزستانسیالیزم.

ایدیولوژی، بیولوژی، سوسیولوژی، سایکالوژی، پسیکولوژی، پداگوژی، دماغوژی، آرکیولوژی، زولوژی، میتودولوژی.

ایدیال، ایده، دموکراتیک، دموکراسی، اکادمی، پاسیف، اکتیف، تلفون، تلگراف، تلگرام، تلویزیون، فلم، کامره، کست، ترانسفارمر، پاراگراف، میخانیک، پروفیسر، داکتر، پلیس، رنسانس، استتیک، سیمینار، جنرال، برس (برس بوت)، بورس (بورس تحصیلی)، بیوگرافی، اتوبیوگرافی، لیسانس، لیسانسه، یونیورستی، میناتور، میناتوری.

بخش دوم

نشانه گذاری

نشانه گذاری (که نقطه گذاری، تنقیط، علایم تنقیط و علامات اعجامیه نیز گفته شده است) به کاربردن نشانه های ویژه ییست باارتباط به نگارش جمله ها و تعبیرها. هدف از کاربرد نشانه ها، بهتر فهماندن مقصود، آسانی و روانی در خوانش، رعایت وقف و مکث، تغییر دادن لحن جمله ها و عبارتها بنا بر ضرورت و جزو آنهاست.

چون نشانه ها به جمله ها و عبارتها صراحت بیشتر میبخشند، بنا براین، کاربرد آنها در جاهای مناسب امریست ضروری.

۱- شیوه نوشتن پاراگراف Paragraph

هرگاه نوشته یی آغاز گردد، باید از حاشیه معمولی در فاصله یک و نیم سانتی متر به طرف داخل صفحه نوشته شود.

هر پاراگراف باعین خصوصیت و به همان فاصله به طرف داخل صفحه آغاز

میشود.

۲- نقطه Full Stop Period [•]

الف) در پایان جمله هایی که پرسشی، ندایی و تعجبی نباشند، گذاشته میشود؛

مانند:

معبد سرخ کوتل در بغلان است.

هوشنگ از سفر تازه برگشته است.

برادرم از کار خود رضایت کامل دارد.

به اوبگو که بیاید.

بیاید.

بلی.

ب) پس از مخففیات نیز نقطه گذاشته میشود؛ مانند :

این رساله به سال ۱۳۶۳ ه. ش. نوشته شد.

ح.د.خ.ا. حزب طراز نوین و پیشاهنگ مبارزو آزموده طبقه کارگر و تمام

زحمتکشان وطن محبوب ما افغانستان و عالیترین شکل سازمان سیاسی آن است.

اتحادیه نویسندگان ج. د. ا. پس از مرحله نوین و تکاملی انقلاب ثور تاسیس

گردید.

۳- کامه (ویرگیول ، سکنه) Comma [،]

الف) هرگاه چند واژه یا عبارت پهلوئی هم بیایند باید توسط {و} - های عطف

به هم پیوند یابند، در همچو موارد {و} - ها حذف و به جای آنها نشانه [،]

گذاشته میشود و پیش از فرجامین واژه عطف شده به واژه پیشین {و} نوشته

میشود؛ مانند :

هیئت ترکیب یک عمارت باید نماینده هماهنگی، تناسب، جلوه، ابهت،

ابتکار، استقامت و صفات دیگر مورد نظر باشد.

یا: نگارش بیروح و غیر هنرمندانه بی تأثیر، یکنواخت، کسالت آور، دلگزای و ناپسند است.

ب) پیش از جمله ها و عبارتهایی که شرح و تفسیر جمله ها و عبارتهای پیشین باشند گذاشته میشود؛ مانند:

کاربرد درست نشانه گذاری، که بخش مهمی از نگارش است، در هر حال ضروریست.

یا: ابومسلم خراسانی، که مردی دلیر و وطنپرست بود، همواره اندیشه آزادی و استقلال خراسان را به سرمیپرورانید.

ویا: ماهواره در زیر پر تو آفتاب منطقه گرم، در وادی گیاهان رنگارنگ، باهم میزیستیم.

ج) هرگاه جمله‌یی بایکی از واژه‌های «بلی»، «نه»، «نی»، «خیر»، «درست» و امثال آنها آغاز شود، پس از آن واژه کامه [،] و در پی آن بقیه جمله نوشته میشود؛ مانند:

بلی، من اشعار او را خوانده‌ام.

نه، گفته شما درست نیست.

نی، ناسنجیده نباید عمل کرد.

درست، میتوان این نظر شما را پذیرفت.

اما اگر این واژه هاتنها بیابند، پس از آنها نقطه [.] نوشته میشود؛ چون:

— داستان را تمام کردی؟

— بلی.

یا: آیا می‌خواهی غذایت را همین اکنون بخوری؟

نه.

(د) در نوشته های علمی و تحقیقی، در پانویسها، برای جدا کردن مشخصات یک مأخذ (مانند نام مؤلف، جای و سال چاپ و صفحه‌اثر) نوشته میشود؛ مانند:

الکامل فی التاریخ، ابن الاثیر، ج ۷، قاهره: ۱۳۴۸، ص ۲۴۷.

یا: ابوسعید عبدالحی گردیزی، زین الاخبار، به تصحیح و تحشیه

عبدالحی حبیبی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۵، ص ص ۱۲۰-۱۲۲.

۴- سمیکولن (ویرگیول با نقطه، مفرزه) Semicolon [؛]

(الف) برای جدا کردن فقره‌ها و جمله‌هایی که پیهم آیند و به هم مربوط باشند؛

ولی ایجاب گذاشتن نقطه را ننمایند، نوشته میشود؛ مانند:

از بد کرداران نفرت دارم؛ از ساده لوحان بدم می‌آید؛ راستان و نیکو سرشتان

را دوست دارم.

یا: باید گفت کتابهای درسی مکاتب در زمینه های گوناگون نوشته میشوند،

یعنی در جمله کتابهای درسی ریاضی و فزیک هست؛ کیمیا و بیالوژی هست؛

تاریخ و جامعه شناسی هست؛ فلسفه و اقتصاد سیاسی هست؛ هنر و ادبیات هست؛

دستور زبان و زبان شناسی هست و بسیاری از رشته های علمی دیگر هم هست.

(ب) در جمله هاپیش از واژه های « مثلاً »، مانند، به حیث مثال، به گونه

نمونه، چون» و امثال آن، که به منظور ایراد مثال بیایند، نوشته میشود؛ مانند:

سهو و فراموشی یا اشتباه و غلطی در کاربرد نشانه هاشاید نوشته بی را بیمعنی

گرداند یا غیر از آنچه نویسنده خواسته است جلوه دهد؛ به حیث مثال: ...

(ج) در نوشته های علمی و تحقیقی، هر گاه مطلبی به چندین مأخذ رجعت

داده شود کامه [،] برای جداکردن هربخش یک مأخذ و سمیکولن [؛] برای جداکردن هر مأخذ از دیگر آن نوشته میشود؛ مانند:

تاریخ بیهقی، چاپ داکتر غنی وداکتر فیاض، تهران: ۱۳۴۴، ص ۱۲۵؛
ترکستان تاهجوم مغول، بارتولد، لندن: ۱۹۴۸، ص ۷۸؛ الکامل فی التاریخ،
این الاثیر، ج ۷، قاهره: ۱۳۴۸، صص ۳۲-۳۵.

(د) در قاموسها معنیهای بهم مربوط یک واژه توسط کامه ها و معنیهای مستقل، که تحت اعداد «۱، ۲، ۳» می آیند، توسط سمیکولن جدا میشوند؛ مانند:
آیدیا (ایده)، اسم:

۱- پلان، پروژه، طرح؛ ۲- فکر، عقیده، مفکوره، نظر، مقصود.

(ه) پیش از واژه های «اما، زیرا، ولی، لیکن، مگر، بلکه» نوشته میشود.

۵ - شارحه (دو نقطه سربه سر، بیانیه) Colon [:]

الف) در نقل مستقیم پیش از ناخنکهای دوتایی [« »] گذاشته میشود؛ چون:
افسری به سربازان گفت: «همواره در نگهداری و حفظ سلاح خود بیدار
وهوشیار باشید!»

ب) برای شرح و تفصیل یک مطلب در جمله نوشته میشود؛ مانند:
عنوانهای اشعاری که در شماره اول سال دوم مجله ژوندون چاپ شده اند،
عبارت انداز: قصه هایی از آدمها و تاریخ، تلاش، مردی در چشمه، کتیبه،
شب و ماه و تو.

ج) پس از عنوانهای کوچک کنار صفحه، که سطر به ادامه آن نوشته شود،
به کار میرود؛ مانند:

اقسام «واو» در زبان دری: واو در زبان دری پنج قسم است و به نامهای

واو عطف، واو مجهول، واو معروف، واو دفتانگ و واو معدول یاد میشوند .
(د) پس از واژه های « مانند، چون، به حیث مثال، به گونه نمونه و... »،
که به دنبال آنها مثال ذکر شود، گذاشته میشود.

۶- فاصله (خط) Dash [-]

(الف) پس از شماره های تقسیمات یک موضوع به بخشهای عمده و اساسی
نوشته میشود؛ مانند:

مثنوی به طور عمده چهار قسم است:

۱- مثنوی حماسی

۲- مثنوی غنایی

۳- مثنوی عرفانی

۴- مثنوی حکمی

(ب) به منظور تفسیر و توضیح یک واژه یا یک عبارت نوشته میشود؛ مانند:
ناصر خسرو- شاعر مبارز و دانشمند زبان دری - به سال ۴۸۱ هـ. زنده گی
را پدرود گفت.

یا: محمود طرزی - پرکارترین مترجم آثار ابداعی و روزنامه نگار توانا -
اشعار زیادی نیز سروده است.

(ج) گاهی به منظور تفسیر و توضیح یک واژه یا یک مطلب تنها یک بار در
پایان یاد بخش آخر جمله نوشته میشود؛ مانند:

نباید جمله های ما بیجان و ماشینی باشند؛ بلکه باید رشد کنند و بزرگ
شوند - بدان سان که جانداران نمو میکنند و بزرگ میشوند.

(د) در گفتگوی دونفری (دیالوگ)، داستان، نمایشنامه یا فیلمنامه وقتی که

از گوینده‌گان به تکرار نام برده نشود ، پس از گفتار هر گوینده ، که در آغاز سطر نوشته میشود ، فاصله [-] میگذارند ؛ مانند :

مادر باتبسمی از کودک پرسید :

- پدرت رابه یاد داری ؟

- اوه ! بلی .

- میدانی او اکنون در کجاست ؟

- در پلخمری .

- آنجا چی میکند .

- در فابریکه سمنت کار میکند .

یاد داشت نخست :

یک نوع فاصله دیگری هم هست که در زبان انگلیسی Hyphen نامیده میشود . هایفن با فاصله هم از نظر شکل و هم از نظر جایهای کاربرد تفاوت دارد . درازی « فاصله » اندکی بیشتر از دو ملی متر و از « هایفن » یک ملی متر است . هایفن در موارد زیر نوشته میشود :

الف) در واژه های ترکیبی ؛ مانند :

عوامل اقتصادی - اجتماعی ، دستاوردهای علمی - تخنیکی ، زبانهای

اندو - اروپایی .

ب) هرگاه در چاپ ، تایپ یا دستنویس برای نوشتن یک واژه در صفحه

جای نماند و واژه به دو بخش تقسیم شود ، پس از یک بخش واژه در پایان سطر

گذاشته میشود . باید به یاد داشته باشیم که هرگز نباید یک هجای واژه رابه گونه

زیر تقسیم کرد ؛ بلکه باید واژه ها را به هجاها تقسیم نمود :

نادرست	درست
دست-آ-ورد	دست - آورد
دست-آو-رد	
دست آور-د	
کشو-رداری	کشور-داری
کشورد-اری	
کشورد-ا-ری	

ج) در نوشته های علمی و تحقیقی وقتی واژه های نامستقل از گونه پیشوندها و پسوند ها به تنهایی نوشته شوند، پیش از پسوند ها و پس از پیشوندها، هایفن گذاشته میشود؛ مانند:

- م، - یم، - ید (نشانه های ضمیری که در آخر افعال می آیند ، مانند: گفتم، گفتیم، گفتید.)

می-، همی- (پیشوند های استمرار، مانند: میروم، همیرفتم.)
 اما پیشوندها، پسوندها و علامه های جمع را نباید طوری تقسیم کرد که از اصل واژه توسط هایفن جدا و در سطر دیگر نوشته شوند، یعنی پیشوندها، پسوندها و علامه های جمع با اصل واژه در عین سطر گنجانیده شود؛ مانند:

نادرست	درست
کتاب -	کتابها

ها (نقل « ها » در سطر دیگر)

می - میکرد

کرد (نقل اصل واژه « کرد » در سطر دیگر)

یم (نقل « یم » جدا از اصل واژه در سطر دیگر)

یادداشت دوم :

گاهی تاپیستها، وقتی در پایان سطر جای اندک باقی مانده نوشتن واژه یی در آن جای گنجایش نداشته باشد، بدون موجب فاصله یا هایفن را تاپ می‌کنند تا انجام سطرها باهم متوازن شوند. این کار کاملاً بیفایده و ناپسند است. باید واژه را درازتر تاپ کنند یا همان بخش آخر سطر را خالی بگذارند. همچنان در تاپ و چاپ غالباً به جای کامه [،] فاصله [-] می‌گذارند که به کلی بی‌مورد و خطاست. باید از این کار اجتناب و جای کامه خالی گذاشته شود تا بعداً پادست کامه نوشته شود.

۷- نشانه پرسش (سوالیه، علامه استفهام) Question Mark [؟]

الف) پس از واژه، فقره و جمله‌یی که شکل پرسش مستقیم - و نه غیر مستقیم - را داشته باشد، نوشته میشود؛ مانند :

شما امروز کجا می‌روید؟

یا : من از وی پرسیدم : « چی وقت رهسپار هرات میشوی ؟ »

ویا : چرا به وقت معین در جلسه نیامدی؟

این نشانه در پایان پرسش غیر مستقیم به کار نمی‌رود. در اخیر پرسشهای

غیر مستقیم نقطه [.] گذاشته میشود؛ مانند :

من از وی پرسیدم که چی وقت رهسپار هرات میشود ؟

یا : من از جاوید پرسیدم که چرا بیموجب خشمگین گردید.

ب) هرگاه واژه‌ی، مطلبی یا نکته‌ی، در موضوع مورد تحقیق، برای محقق نا معلوم باشد و اشتبا‌هی به نظر برسد پیش روی آن، نشانه‌ی پرسش میگذارد؛ به گونه‌ی مثال:

حفظه باد غیسی به سال ۲۱۹ ه.ق. (؟) درگذشت.

۸- نشانه‌ی ندا (نداییده، اعجابیده، علامه‌ی خطاب) Exclamation Mark [!]

الف) پس از واژه‌هایی که در محل ندا باشند، نوشته می‌شود؛ مانند:
خداوند! پیش از این، اعتراف و اضحی در باره‌ی ناتوانی کسی وجود دارد؟
یا: خداوند! مراد انجام کارهای نیک یاری ده!
اگر واژه‌های مبین هیجا‌ها، عواطف و تأثرات تنها به کار روند نشانه‌ی اعجاب [!] پس از آنها نوشته می‌شود؛ مانند:

واحسرتا!

دریغنا!

آفرین!

آه!

واخ!

اما اگر پس از آنها جمله‌ی بیاید پس از چنین واژه‌ها کامه [،] و در پایان جمله،

نشانه‌ی اعجاب [!] گذاشته می‌شود:

ب) در پایان جمله‌ی تعجبی نوشته می‌شود؛ مانند:

چه بازی جالب و حیرت انگیزی بود!

یا: شگفت سخنی!

ویا: چه دروغ شاخداری!

ج) برای اظهار تأثرات و عواطف، بیان حالت‌های ناگهانی و هیجانی، اظهار خوشی، اندوه، نفرین و امثال آن می‌آید؛ مانند:

آه!

آه، چه درد جانکاهی!

دریغا!

دریغا، آن قهر کرده را سیر ندیدم!

آخ!

آخ، چه ستم سختی!

حسرتا!

حسرتا، که بیست سال از دیدار مادر محروم ماندم و تادم مرگش نتوانستم

اورا ببینم!

اوه!

اوه، شما و اینجا!

اوه، از دیدن شمادر این کشور بیگانه چقدر شادمان شدم!

د) برای تمسخر و استهزا یا شوخی و مطایبه در پایان جمله‌هایی که ظاهراً

جدی و باور کردنی باشند، به کار می‌رود؛ مثلاً درباره‌ی شخص نادان و بیسوادی

چنین گفته شود:

این است نویسنده‌ی توانا و دانشمند نامور کشور!

یادرباره‌ی مرد دروغگو و لافزنی گفته شود:

این است مردی که از دروغگویی و لافزنی نفرت دارد!

یادداشت :

باید گفت که به کار بردن چندین نشانه ندا یا نشانه پرسش در جمله، نادرست است. فرضا اگر جمله بی هم تعجب آوردهم پرسشی یا هم پرسشی وهم شوخی آمیز باشد، مبعوان پس از یک نشانه پرسش، تنها یک نشانه ندا را به کار برد؛ مانند او، آبار است میگوی؟ جایزه صد هزار افغانیگی نصیب من شده است؟! ۹- ناخنکهای دوتایی (قوس کوچک، قوس ناخنک، علامت نقل قول)

Quotation Marks [« »]

الف) برای نقل مستقیم قول دیگران به صورت - حکایتی یعنی از زبان کسی - یا برای نقل قول مستقیم دیگران از کتابهای مأخذ پس از شارحه [:] به کار میرود؛ مانند:

او گفت: « مقصودت را فهمیدم »

یا: در کتاب هفت قلزم امین احمد را زی چنین آمده است: « بهمن فرمودتاد انشمندان، زبان فارسی فصیح وضع کردند و آن را دری نام نهادند. »
ب) برای نشان دادن برخی نامهای خاص (اشخاص، اشیا، جایها، اصطلاحها) نوشته میشود؛ مانند:

« بینوایان » را چندین بار خوانده‌ام.

یا: منظورم از تذکر عراق «عراق عجم» بود نه عراق کنونی.

ج) برخی از واژه‌ها و عبارتهایی که به مفهوم خاص و برجسته به کار میروند - که در مواردی در زبانهای اروپایی به حرفهای کلان نوشته میشوند - در زبان دری میان ناخنکهای دوتایی گرفته میشوند؛ مانند:

ما آن راه دریای خاموشی، لامبده بودیم.

یا: ماهمیشه به زیر شعاع آفتاب منطقه گرم دره وادی علفهای رنگا رنگ ، یکجا میزیستیم.

(د) هرگاه نویسنده، واژه‌یی را در معنای غیر حقیقی و به معنای مجازی به کار ببرد، آن را میان ناخنکهای دوتایی جای میدهد؛ مثلاً اگر واژه «مادر مهربان» و ابه معنای دانشگاه در مورد محصلان دانشگاه استعمال کنیم:

بیشتر محصلان دانشگاه میپندارند که تنها با ایستاده‌گی به عهد و پیمان در برابر قوانین و مقررات فاکولته و ایستاده‌گی به عهد و قول در برابر همدرسان و یا انجام دادن آنچه «مادر مهربان» از آنها متوقع است، کار پسندیده‌یی میکنند.

(ه) گاهی برخی از واژه‌های ناآشنای خارجی یا واژه‌های عامیانه و اصطلاحات فنی و تخنیکی در بین ناخنکهای دوتایی گرفته میشود؛ مانند:

... بخش مهمتر تجدیدنظر، کوشش برای ایجاد ساختمان مستحکم و متین، تعبیر کامل و دقیق، بیان مشخص (کانکریت) و «بسته بندی شده» است که مقاله خوبی را به وجود می‌آورد.

(و) اگر در ضمن سخنانی که در بین ناخنکهای دوتایی نوشته شده باشند، واژه‌ها یا سخنهایی بیایند که ایجاب کنند در بین ناخنکها نوشته شوند، چنین واژه‌ها یا سخنها در بین ناخنکهای یکتایی بدون نشانه شارحه نوشته میشوند؛ مانند:

هوشنگ پرسید: «چی کسی گفته است 'زنده‌گی ما نند رود خانه است'؟»

یا: او گفت: «متقدی این کتاب را 'ضیاع وحشته‌ناک کاغذ' خوانده است.»

یاد داشت:

نشانه های پایان جمله ها و سخنهای بین ناخنکهای دوتایی و یکتایی پیش از

بسته شدن ناخنکها نوشته میشوند؛ مانند:

خسرو گفت: « من از عهده انجام دادن چنین کاری بونمی آیم »

۱۰- کمانکها (قوس میان، هلالین) Parentheses [()]

الف) به صورت کلی و عمومی، فقره ها و جمله های معترضه، که ارتباط

دستوری مستقیم با جمله ندارند، در میان کمانکها گرفته میشوند؛ مانند:

با آگاهی از رها شدن بند ابریشمین جرابش (اگر ابریشمین بوده باشد) آن

دختر به پناگاه درختان بید رفت.

ب) شماره های تقسیمات دومی موضوع، معنی یا شرح و تفسیر برخی

اواژه ها، سنها و مأخذها در بین کمانکها گرفته میشوند؛ مانند:

طرز آموزش واژه های نوبه سواد آموزان

۱- قوه ادراك واژه ها نزد سواد آموزان

قوه ادراك واژه ها در خوانش اساساً شامل دو مرحله میباشد:

(۱) متمرکز ساختن حواس بایک کیفیت و رسیدگی روانی بر شکل واژه ها

(۲) انگیزش حس تشخیص و شناسایی واژه ها به خاطر تشخیص یک شکل

از اشکال دیگر با توجه به طرز تلفظ و فرق معانی آنها؛

۲- شیوه انکشاف قوه ادراك واژه ها

درباره شیوه انکشاف قوه واژه ها، برخی از محققان معتقداند که آموزگار

باید مراحل زیر را در نظر داشته باشد:

- (۱) نوشتن واژه های نو و نا آشنا با خط خوانابه روی تخته،
- (۲) نشان دادن و شناختاندن حروف هرواژه،
- (۳) تفسیر و توضیح معنای هرواژه با آوردن مثالها،
- (۴) تلفظ صریح، رسا و صحیح هرواژه،
- (۵) موقع دادن به خواندن خاموشانه و فکر کردن سواد آموزان،
- (۶) پرسش آموزگار از هر سواد آموز.

یا: استیشن فضایی، که با چنین سرعتی به دور زمین میچرخد، در حالت بیوزنی همچون یک قمر سیاره زمین (قمر مصنوعی) همراه بامهتاب (قمر طبیعی) به دوران پیرامون زمین میپردازد.

یا: در آثاری که طی سده های ۱۱-۱۵ م. در هند به وجود آمده سلسله یی از کتابهای دینی نیز به برگهای «پالمه» (پالمه نام نوعی درخت بلندیست که دارای برگهای بزرگ و همیشه سبز بوده در بخشهای جنوب میروید) نوشته شده است.

یا: امیر خسرو، دو سال پیش از تألیف «قران السعدین» به سال ۲۹۰ هجری قمری (۳۸ ساله گی) مثنوی بسیار کوتاهاتر از قران السعدین به نام «مفتاح الفتوح» را سرود.

ویا: من سرافرازم که سه سال پیهم (۱۳۴۳-۱۳۴۵ خورشیدی) در شعبه زبان و ادبیات دری دانشکده ادبیات و علوم بشری شاگرد آن جاودانه مرد بوده ام. (ج) در تقسیم موضوعهایی که به حروف الفبا (الف، ب، ج، د) صورت میگیرد کمانک گذاشته میشود، یعنی حروف الف، ب، ج، د با کمانک مشخص میگردد که باری مثالهای آن در این رساله فراوان دیده میشود.

۱۱- قلابها (قوس کلان، قوس ایستاده، قوس عمودی) Brackets []

الف) قلابها زمانی استعمال میشوند که برخی از مطالب نقل و اقتباس شده، قابل معنی کردن یا شرح و تفسیر یا مقتضی تذکر، افزایش و تکمیل کردن باشد، یعنی نویسنده وقتی بر مطالب منقول و برگرفته، چیزی از خود میافزاید و یا به تکمیل و تصحیح قیاسی متنها میپردازد، آن را در میان قلابها جای میدهد؛ مانند: «در این یادداشت، از جراحتهی که جنرال جیکسن برداشت [در روز اول جنگ در جبهه چانسلرس ویل] ذکری به میان نیامد؛ ولی از جنرال لی به تقریب فتح بزرگ، ستایش شده است.»

(از کتاب « زنده گی رابرت لی » اثر جونز)

یا: « از خصایص کارنویسنده به کار بردن ملاکهای شخصی است؛ ... فرموده اند ' فردوسی ذهنی ساده دارد [از کجا معلوم] ... بنابراین، کم اتفاق میافتد که مرز این ارتباط را دورتر از ذهن ساده خواننده گان قرار دهند. » (از مقاله « نقدی بر تصویر آفرینی در شاهنامه فردوسی » نوشته علی حصوری)

ویا: « و مردی [این واقعه] دید و به یوآب خبر داده گفت ' آب شالوم را دیدم که از درختی بلوط آویخته شد. »

ب) قلابها در تحقیق و چاپ متنها کهن نیز به همان منظوری که در بالا ذکر شد، استعمال میشوند. مثلاً هنگامی که در بین مطالب یک اثر، آوردن مطلبی، نکته‌یی، تذکری و مانند آن، ضرور باشد و از طرف ناشر یا مصحح، افزوده شده باشد؛ این مطلب و تذکر افزوده شده در بین قلابها گرفته میشود

ج) قلابها در زبانشناسی برای ثبت مورفیمها و اصوات نیز به کار میروند.

۱۲- کژکها [{ }]

کژکها گونه دیگری از نشانه‌هاست که یابه تنهایی و یا همراه باقلاها و کمانکها هم در زبان‌شناسی و هم در ریاضیات به کار برده میشوند؛ مانند:

هرگاه پیشوند { بی- } باواژه‌هایی بیاید که با حروف نمودار مصوت { آ، ا } آغاز شوند، جدا نوشته میشود.

یا: $A = \{ a, b \}$ که در این جا کژکها برای مشخص و محدود نمودن عناصر یک سیت به کار برده شده است.

ویا: $2 [3 + 4 \{ 6 + 7 (8 - 9) + 2 \} + 3]$

۱۳ - سه نقطه (نشانه انصراف، علامت صرف نظر) Ellipses [...]

این نشانه هنگام حذف یک یا چند واژه یا بخشی از فقره و جمله - خواه از نوشته خود شخص، خواه از مواد و مطالب اقتباس شده - که برای دیگران آشکار باشد و ضرورتی به نوشتن آن نباشد و یا آنچه که از رهگذری قابل نوشتن نباشد، استعمال میشود. باید گفت که در میان جمله سه نقطه [...] و در پایان جمله چهار نقطه [....] گذاشته میشود؛ زیرا نقطه پایان جمله نیز بر آن افزوده میگردد.

به کار بردن بیشتر از سه نقطه در وسط جمله و چهار نقطه در پایان جمله، درست نیست.

۱۴ - ستاره Asterisk [*]

این نشانه برای توضیح یک مطلب مربوط به متن در حاشیه - علاوه بر شماره‌ها و اعدادی که برای این منظور به کار میروند - گذاشته میشود. گاهی در پاورقی

نویسی به جای شماره و عدد، یک ستاره ، دو ستاره و سه ستاره نزدیک به هم [(*) ، (* *) ، (* * *)] به کار برده میشود. هرگاه پاورقی در یک صفحه تمام نشود و به حاشیه صفحه دیگر ادامه یابد ؛ در آخر پاورقی این صفحه و شروع پاورقی صفحه دیگر، یک ستاره جهت راهنمایی گذاشته میشود. همچنان سه ستاره دور از هم [* * *] برای جدا کردن بخشها یا قسمتها ی داستان یا یک موضوع طولانی به کار میرود تا فاصله سفید بین دو سطر، بیشتر گردانیده شود. در زبانشناسی پیش از واژه ها یا جمله های نا درست یا باز سازی شده - از نظر تاریخی - یک ستاره [*] میگذارند ؛ مانند:

* من رفتی

یا: بنده گان ← * بندک + - ان.

یاد آوری

در نگارش «روش املاي زبان دري»، که برای تعميم و ترويج روش همگون
املايي صورت گرفته، اصلهاي زيرين در نظر بوده است :

- ساختمان دستوري و واكشناختي زبان دري ،
- آساني آموزش و خوانش ،
- آسانسازي نوشتن و پرهيز از نگاهستن صورتهاي ناهنجار واژه‌ها،
- هماهنگي نسبي بين صورتهاي نوشتاري و گفتاري،
- زبانشناسي معاصر ،
- دستيابي به معيارهاي عام و کاهش موارد خاص املايي .

درستنامه

با پوزش از خواننده‌گان ارجمند خواهش میشود تا پیش از خواندن این رساله لغزشهای زیرین را حتماً درست نمایند. باید یاد آور شد که آن لغزشهایی که خواننده با حدس آنها را در مییابد، در این درستنامه گنجانیده نشده اند :

– ص ۲ سر صفحه س ۵، پس از واژه « کابل » به جای نشانه [–] نشانه [،] گذاشته شود.

– ص ۲ س ۴، « مشاوران » به « مشاور » تصحیح شود.

– ص ۲ س ۱۸، در پایان سطر به جای نشانه [.] نشانه [!] نوشته شود.

– ص ۲ س ۲۰، « کمیته » به « کمیته » تصحیح شود.

– ص ۳ س ۳، پس از نشانه های [* *] نشانه [،] افزوده شود.

– ص ۳ س ۶ پاورقی، « مثابه » به « مثابه » تبدیل گردد.

– ص ۳ س ۱۱، در پایان سطر نشانه [،] و در پایان س ۱۲ همین صفحه نشانه [.]

افزوده شود.

– ص ۴ س ۲، « فونیم » به « یا فونیم » تصحیح گردد.

– ص ۴ س ۹، « گر »، که در برخی نسخه ها به همین شکل آمده است، به « اگر »

تصحیح شود.

– ص ۵ س ۱۷، پس از « گویند » نشانه [،] نوشته شود و نشانه [،] از پایان همین

سطر حذف گردد.

– ص ۶ س ۱۰، پس از « نظر اندازیم » نشانه [،] نوشته شود.

– ص ۸ س ۷، « متحور » به « متحول » تبدیل شود.

– ص ۸ س ۲۲، پس از « عمرو » و پیش از « چون » نشانه [،] علاوه گردد.

– ص ۱۰ س ۱۸، چنین تصحیح شود: / úu oáa ile / .

– ص ۱۱ س ۱، « ون » به « وآن » تبدیل شود.

– ص ۱۱ س ۴، « واك » به « برواك » تصحیح گردد.

– ص ۱۱ س ۹، « نابه سامانیهایی » به « ونابه سامانیهایی » تبدیل گردد.

- ص ۱۲ س ۲، پس از « دارد » به جای نشانه [ء] نشانه [ء] و نیز پس از واژه « بنا برین » نشانه [ء] گذاشته شود .
- ص ۱۲ س ۹، پس از « کابل » به جای نشانه [ـ] نشانه [ء] گذاشته شود .
- ص ۱۵ س ۲۱، « محتوم » به « مختوم » تصحیح شود .
- ص ۱۹ س ۲۰، پس از « میشود » نشانه [.] گذاشته شود .
- ص ۲۰ س ۱۰، « انصار » به « انصاری » تصحیح شود .
- ص ۲۰ س ۱۵، « زندگیت » به « زنده گیت » تصحیح شود .
- ص ۲۱ س ۶، « آروزی » به « آرزوی » تبدیل گردد .
- ص ۲۵ س ۹ و ص ۲۶ س ۷، « حروف » به « حرف » تصحیح شود .
- ص ۲۷ س ۵، مثال « بی رتق و فتق » حذف گردد .
- ص ۲۷ س ۷ و ۸، واژه های « بیننده »، « نالان »، « سحر گاهان »، « چوبین » و « سیمین » حذف شوند .
- ص ۲۷ س ۱۲ قاعده ۱۸ چنین تصحیح شود: پسوند جمع [ها] با واژه ها پیوسته نوشته شود .
- ص ۲۷ س ۹، پس از « افسانه ها » نشانه [.] گذاشته شود و مثال « کوه - کوهها » حذف گردد .
- ص ۲۸ س ۴، پس از « دهها » نشانه [ء] حذف شود .
- ص ۲۸ س ۱۸، پس از « گزارشات » نشانه [ء] گذاشته شود .
- ص ۲۹ س ۱۴، واژه « راساً » حذف گردد .
- ص ۳۰ س ۸، همزه های حرفهای [أ] و [ؤ] حذف و چنین تصحیح شوند:
- [ا] یا [و] .
- ص ۳۱ س ۲۰، « همزه » به « همزه » تصحیح شود .
- ص ۳۲ س ۶، « سوال » به « سؤال » تبدیل گردد .
- ص ۳۵ س ۱، « حمزه ها » به « ه » تصحیح شود .
- ص ۳۵ س ۴، « بعضی » به « بعض » تبدیل گردد .
- ص ۳۵ س ۲۱، « راه مکه » به « شهر یمن » تصحیح شود .



- ص ۴۰ س ۱ ، « Full stop period » به « Full stop period » تصحیح شود .
- ص ۴۰ س ۱۸ ، پس از « یابند » نشانه [،] حذف و به جای آن نشانه [.] نوشته شود .
- ص ۴۰ س ۲۱ ، « نماینده » به « نماینده » تصحیح شود .
- ص ۴۱ س ۹ ، به جای « به سر » ، « در سر » نوشته شود .
- ص ۴۱ س ۱۰ ، پیش از واژه « زیر » ، « در » حذف گردد .
- ص ۴۲ س ۲ ، چنین تصحیح شود : — نه .
- ص ۴۴ س ۴ ، « Dash » به « The Dash » تبدیل شود .
- ص ۴۵ س ۵ ، پس از « اوه » نشانه [،] و پس از « بلی » نشانه [!] نوشته شود .
- ص ۴۵ س ۸ ، در پایان سطر به جای نشانه [.] نشانه [؟] گذاشته شود .
- ص ۴۶ س ۱۶ ، « شود » به « شوند » تبدیل شود .
- ص ۴۷ س ۱۱ ، « سوالیه » به « سؤالیه » تصحیح شود .
- ص ۴۸ س ۷ ، پس از « این » نشانه [،] حذف شود .
- ص ۴۸ س ۹ ، بعد از « به کار روند » نشانه [،] نوشته شود .
- ص ۵۰ س ۷ ، « Morks » به « Marks » تصحیح شود .
- ص ۵۰ س ۸ ، پس از « صورت » نشانه [—] حذف گردد ، واژه حکایتی ، به « روایتی » تبدیل و پس از آن نشانه [—] نوشته شود .
- ص ۵۰ س ۱۳ ، نشانه [،] پس از « دانشمندان » حذف شود .
- ص ۵۱ س ۱ ، پس از « همیشه » ، « به » حذف شود .
- ص ۵۱ س ۱۰ ، « میشود » به « میشوند » تصحیح شود .
- ص ۵۲ س ۹ ، « پناگاه » به « پناهگاه » تصحیح شود .
- ص ۵۳ س ۱۴ ، « ۲۹۰ » به « ۶۹۰ » تصحیح شود .
- ص ۵۴ س ۱۷ ، نشانه [،] بعد از « اثر » حذف شود .
- ص ۵۴ س ۱۹ ، به جای نشانه [؛] نشانه [،] گذاشته شود .
- ص ۵۴ س ۲۰ ، « میرود » به « میروند » تصحیح شود .
- ص ۵۵ س ۹ ، « صرف نظر » به « صرف نظر » تصحیح شود .